

به کارگیری رنگ در نقاشی از طبیعت (رنگ و روغن)

هدفهای رفتاری: در پایان این فصل، فراگیر باید بتواند:

- با سیاه و سفید و خاکستریهای مابین نقاشی کند.
- با سیاه و سفید و یک رنگ و خاکستریهای حاصل از ترکیب، آنها را به درستی در نقاشی به کار گیرد.
- با رنگهای اصلی و ثانویه نقاشی کند.
- ارزشهای تیره و روشن رنگ در طبیعت را درک کرده، در فضا سازی نقاشی خود به کار گیرد.

۱-۲- نقاشی با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی

نقاشی از طبیعت، برای شناخت رنگ، بسیار آموزنده است. ولی از آنجا که جلوه‌های رنگهای گوناگون و شکلهای بی‌شمار برگها، شاخه‌های درختان و سنگها و گلها ممکن است شما را در برخورد نخست با طبیعت، دچار سردرگمی کند، به منظور ثبت احساس و حالات متغیر منظره و همچنین انتقال احساس حضور در طبیعت به بیننده، توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد.

موضوع: موضوع طبیعت همواره مورد توجه بسیاری از نقاشان بوده است. در آغاز، طبیعت به عنوان پس‌زمینه، در آثار به کار گرفته می‌شد به گونه‌ای که تأکید نقاش بر موضوع اصلی تابلو بود و منظره در دور دست، اهمیت ثانویه داشت از زمانی که نقاشی از طبیعت به عنوان موضوع اصلی کار، مورد توجه و دقت نظر نقاشان قرار گرفته، شیوه و تکنیکهای متفاوت برای ارائه آن نیز به همان میزان تغییر کرده است.

واژه منظره و یا دور نما^۱ در مرحله اول، نقاشی از طبیعت را به خاطر می‌آورد، هر چند نقاشی از مناظر شهری با عناصر ساختمانی نیز در همین حیطه قرار می‌گیرد. حضور عناصر ساختمانی در فضاهای شهری نیز که طبیعت را تحت الشعاع قرار داده است، در آثار نقاشی بسیاری از منظره‌سازان محسوس است. در این گونه مناظر، حضور طبیعت محدود به آسمان و گاه، درختان می‌شود در حالی که در مناظر طبیعی ممکن است تنها به گوشه‌ای بکر از طبیعت پرداخته شود. حال، شما کدام موضوع را برمی‌گزینید؟ مناظر طبیعی روستا و یا مناظر شهری را؟ تأکید و تمرکز نقاشان طبیعت‌ساز غالباً به عناصری چون آسمان، ابرها، کوهها و پوشش گیاهی از جمله گل و گیاه و درختان و گاه برکه‌های آب، دریا و مانند آنهاست. در صورتی که در مناظر شهری با ساختمانها خیابان و گذرگاهها و کوی و بازار روبه‌رو می‌شوید و گاه در میان این عناصر، درختان و آسمان یادآور طبیعت‌اند. با این همه، حضور انسان، چه در طبیعت بکر و چه در فضاهای شهری، فراموش ناشدنی است. هر چند که این پیکره‌ها نقش اصلی در کار ایفا نکنند تصاویر (۱-۲ و ۲-۲).



تصویر ۱-۲- اثر جان مور، رنگ روغن روی بوم، (۶۱×۷۲/۲ سانتی متر)



تصویر ۲-۲- اثر خوان میرو، رنگ روغن روی بوم، (۶۰×۷۰ سانتی متر)

۱- MOORE، نقاش سده ۲۰ میلادی

۲- MIRO، نقاش سوررئالیست اسپانیایی، سده ۲۰ میلادی

انتخاب کادر: همانطور که قبلاً گفته شد، طبیعت، سرشار از عناصر مختلف و متعدد از نظر فرم و رنگ است چگونه موضوع خود را از میان این مجموعه متنوع انتخاب می‌کنید؟ بسیاری از نقاشان کادری میان تهی از مقوا، برای خود تهیه می‌کنند. به این کادر مقوایی منظره‌یاب هم گفته می‌شود. این کار به آنها در انتخاب موضوع و کادر کمک خواهد کرد. دیدن از میان این کادر مقوایی، به راحتی محدوده دید آنها را مشخص کرده و آنان را از سردرگمی رها می‌سازد. در نتیجه، هر چه سریعتر موضوع خود را محدود و مشخص می‌کنند.

کار در کارگاه: نقاشی از طبیعت با سیاه و سفید و یک رنگ اصلی اهداف:

- ایجاد ترکیب‌بندی متعادل در کادری مناسب از موضوع
- ایجاد تعادل تیره و روشن به کمک سیاه و سفید و خاکستریهای مابین
- ایجاد فضا در نقاشی به کمک سیاه و سفید و خاکستریهای مابین

تهیه پیش‌طرح اولیه از موضوع

اولین نکته مورد توجه شما می‌تواند کادربندی باشد. در مناظر طبیعی، دشتهای وسیع و دریا را غالباً در کادر افقی قرار می‌دهند، تا افق دور در آن نمایان تر شود. بسته به این که چه عنصری در طبیعت برای شما اهمیت دارد و یا هدف شما تأکید بر چیست، آن عنصر جایگاه مهمتری در کادر پیدا می‌کند. بنابراین، بسته به موضوع، جهت افقی و یا عمودی کادر را می‌توان مشخص کرد. کادر افقی برای مناظری با دید پانورامیک^۱ (دید از بالا) و کادر عمودی در مناظر شهری با ساختمانهای بلند مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

جایگاه خط افق در کادر شما، تغییرپذیر است. اگر خط افق در نیمه بالایی کادر قرار گیرد، بر عناصر روی زمین تأکید بیشتری خواهد بود. در این نوع کادربندی، عناصر در پلان جلو (پیش‌زمینه) مثل ساختمانها، پوشش گیاهی، صخره و... مورد توجه نقاشانند و با جزئیات بیشتر نقاشی می‌شود. تصویر (۲-۳) اثر منه^۲ قرارگیری خط افق در میانه کادر، سبب مشاهده عناصر آسمان و زمین به یک میزان می‌شود و حالت تعادلی را ایجاد می‌کند. تصویر (۲-۴) اثر منه خط افق در میانه بالایی تابلو قرار گرفته بدین ترتیب عناصر روی زمین اهمیت بیشتری یافته است.

در تصویر (۲-۵) تأکید بیشتر بر آسمان و دریاست و همچنین در تصویر (۲-۶) اثر حسین کاظمی^۳ نمونه دیگری از جایگیری خط افق در کادر را می‌بینیم.

۱- Panoramic

۲- MONET، نقاش امپرسیونیست فرانسوی، سده ۱۹ میلادی

۳- حسین کاظمی (۱۳۷۵ - ۱۳۰۳) از پیشگامان جنبش نوگرایی در نقاشی ایران با تکیه بر بینش شرقی به مدرنیسم روی کرد.



تصویر ۳-۲- اثر کلود مونه، رنگ روغن روی بوم، (۴۹/۵×۶۴ سانتی متر)



تصویر ۴-۲- اثر کلود مونه، رنگ روغن روی بوم، (۵۹×۷۶ سانتی متر)



تصویر ۵-۲- اثر کلود مُنه، رنگ روغن روی بوم، (۵۹×۹۰ سانتی‌متر)

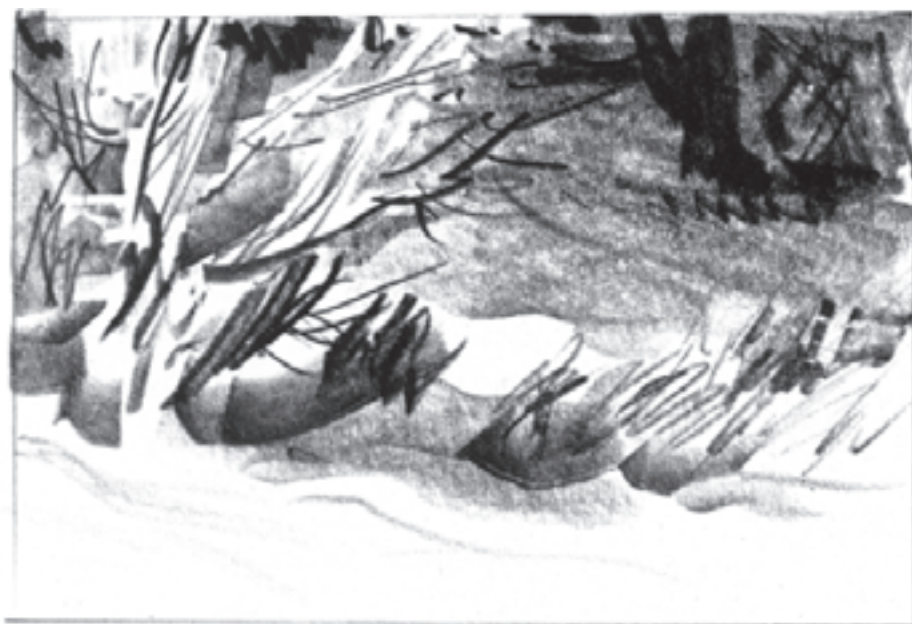


تصویر ۶-۲- اثر حسین کاظمی، رنگ روغن روی بوم، (۱۵۰×۱۰۰ سانتی‌متر)

تقسیم کادر به این ترتیب، از کل به جزء صورت می‌گیرد و شما در سطح زمین، عناصر دیگر تابلو را قرار خواهید داد که به تدریج به چشم بیننده نزدیک می‌شوند. از جمله کوهها و در جلوان احتمالاً، درختان و عناصر دیگر را می‌توانید تعیین وضعیت کنید. توجه به دوری و نزدیکی، پرسپکتیو خطی، وضوح و عدم وضوح عناصر تابلوی شما را به تدریج کامل و کاملتر می‌کند. در این مرحله، همیشه از کلیات شروع کنید و از تأکید بر یک جزء، جداً پرهیزید. در تصاویر (۲-۷) عکس از منظره و (۲-۸) پیش طرح از همان منظره، ملاحظه می‌کنید که در پیش طرح هنرمند چگونه از نمایش جزئیات صرف‌نظر کرده است.



تصویر ۲-۷- عکس از منظره، اثر زابو^۱



تصویر ۲-۸- پیش طرح از منظره، اثر زابو

تصاویر (۲-۹، ۲-۱۰، ۲-۱۱) نمونه دیگری از تهیه پیش طرح از منظره، نشان می دهند. ابزار شما در این مرحله می تواند، زغال، مداد و یا آب مرکب باشد.



تصویر ۲-۹- عکس از منظره، اثر کادل^۱



تصویر ۲-۱۰- پیش طرح از منظره با مداد، اثر کادل

۱- CADDELL، نقاش سده ۲۰ میلادی



تصویر ۱۱-۲- اثر پل سزان، آبرنگ روی مقوا

تمرین ۱

— اجرای کار با سطوح ساده به کمک سیاه و سفید و خاکستریهای مابین

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش گذشته، از موضوع خود پیش طرح خطی تهیه کنید.

در این تمرین سعی کنید بخشهای جلو و عقب را به کمک تیره و روشن، از هم تفکیک نمایید. همانطور که می‌دانید طبیعت پیرامون ما از تنه‌های بی‌شمار رنگی تشکیل شده است که ثبت این تیره و روشن‌ها از سوی نقاش، منجر به نمایش شکل و حجم و توهم بُعد در تصویر می‌شود. انتخاب و مهارت چشم در گزینش سایه روشن‌های اساسی، نیاز به تمرین و ممارست فراوان دارد. شما در طبیعت باید سعی کنید همه چیز را کلی ببینید و مرحله به مرحله تنه‌های تیره و روشن و در نهایت، حد وسط را برای تکمیل شدن کار اضافه کنید هر چند در ابتدا این کار دشوار به نظر می‌رسد ولی تهیه طرح‌های سریع از طبیعت و تفکیک سطوح کلی، رفته رفته شما را در مسیر درست قرار می‌دهد.

به این نکته نیز توجه داشته باشید که اشیا و احجام، هر چه از ما دورترند وضوح کمتری دارند در حالی که عناصر پیش‌زمینه تابلو، با کیفیت و وضوح بیشتری ترسیم می‌شوند.

به تصویر (۱۲-۲) اثر فوستر کادل توجه کنید.

۱- TONE (رنگسایه)، معمولاً در معنای درجات تیرگی و روشنی یک رنگ به کار می‌رود.



تصویر ۱۲-۲- اثر کادل، رنگ روغن، (۶۱×۷۶ سانتی متر)

تمرین ۲

— ایجاد فضا در نقاشی به کمک سیاه و سفید و یک رنگ و خاکستریهای حاصل از ترکیب آنها اضافه کردن یک رنگ به سیاه و سفید و خاکستریهای مابین، یک مجموعه رنگ با یک هماهنگی یا هارمونی تک رنگ ایجاد خواهد کرد. از طرفی، کار با این خاکستریها، این امکان را برای شما فراهم می‌سازد که ارزشهای تیره و روشن رنگهای طبیعت را با تیره و روشن خاکستریهای یک هارمونی رنگی در نقاشی از منظره، مقایسه و در کار تجربه نمایید.

در این تمرین، نسبت به موضوعی که انتخاب کرده‌اید توانایی رنگی متناسب را برگزینید. به طور مثال، برای مناظر غروب از ترکیب سیاه و سفید و نارنجی و برای ایجاد فضای سرد زمستان ترکیب سیاه و سفید و آبی، مناسب به نظر می‌رسد.

در تمرینهای بعدی با اضافه کردن رنگهای دیگر، به پالت رنگی خود غنای بیشتری خواهید داد. زیرا در درخشش رنگها در ترکیب با سیاه و سفید تغییر ایجاد می‌شود. از طرفی، تنها راه تغییر درجه تیرگی و روشنی رنگ، اضافه کردن سیاه و سفید به رنگها نیست. تصویر (۱۳-۲)، مثال خوبی برای هارمونی آبی‌ست.



تصویر ۱۳-۲- اثر پایک^۱، ابرنگ، (۵۶×۷۶ سانتی‌متر)

۲-۲- نقاشی با رنگهای اصلی و ثانویه

رنگها بر احساس ما تأثیر گذاشته، حالات روحی مختلفی در ما ایجاد می‌کنند. از همین طریق است که نقاش به کمک اصول و قواعد نظری رنگ، بر بیننده آثار خود تأثیر می‌گذارد. مجموعه رنگهای به کار گرفته شده در کل اثر، در ایجاد این احساس در ما دخالت دارند. گاه رنگها در یک منظره صبحگاهی چنان در ما اثر می‌گذارند که احساس طراوت و تازگی را در ما بیدار می‌کنند و زمانی، رنگهای همان منظره به هنگام غروب خورشید، احساس دیگری را به وجود می‌آورند. بنابراین چگونگی به کارگیری مجموعه رنگی در یک اثر، رابطه مستقیم در ایجاد این احساس دارد. نمونه عکس‌العمل احساس رنگها را می‌توان چنین عنوان کرد:

رنگهای زرد، نارنجی و قرمز؛ احساس آفتاب، روشنی، گرمی.

قرمز ارغوانی؛ احساس تاریکی.

آبی ارغوانی؛ احساس تاریکی.

آبی؛ سرما، یخ، آب و مهتاب و آسمان دوردست.

آبی سبز؛ آب، خنکی و دوردست.

سبز؛ سرسبزی، طبیعت، آرامش و سکون.

زرد سبز؛ آفتابی.

بنابراین، طبیعی خواهد بود که ما در هنگام صبح با رنگهایی با وضوح و شفافیت زیاد مواجه شویم و رنگهای دارای سکون، گرمی و شدت را کمتر ملاحظه نماییم و این در حالی است که همان رنگها به هنگام ظهر، به نهایت شدت و درخشندگی و تیره و روشنی و خلوص خود نزدیک می‌شوند.

۱- PIKE، نقاش سده ۲۰ میلادی